



## از شبنامه تا نامه سرگشاده

تفسیری کوتاه درباره ی جایگاه شهروندان در حقوق اساسی

دکتر نیما فرمین حقوقدان

حقوق اساسی هر کشور، پیمان میان شهروندان و کشور مدارانی است، که با رای شهروندان برگزیده شده اند. بنابراین آن چه از سی سال پیش تاکنون در ایران زمین می گذرد، از این تعریف بیرون است.

حقوق اساسی، حاصل کوشش پیگیر شهروندان در درازای سده ها و بلکه هزاره ها می باشد، و در آن شهروندان، آزادی های خود و دامنه ی خویشکاری کشورمداران را به گونه ی آشکار و به روشنی نوشته، و برای ارج نهادن بر این آزادی ها، کشورمداران را ناگزیر به پاسخ گویی کرده است.

از دید حقوق اساسی، یک پیکار همیشگی میان شهروندان و کشورمداران پا برجا است. در کشورهایی که حقوق اساسی بر پایه ی مردم سالاری است، این پیکار همواره با کارسازنده استوار بوده، و پیوسته دنبال می شود. ولی در شیوه ی کشورمداری بر پایه ی خودکامگی، فرجام آن کاربرد زور و سرنیزه می باشد، و بی شک قانون اساسی نقشی بر روی کاغذ، و نادیده گرفته می شود، و به نیستی و تباهی کشور می انجامد، و شهروندان برای به دست آوردن حقوق از دست رفته، در رویارویی با خودکامگان به پا می خیزند. برای نمونه، نزدیک به ۱۶۰ اصل از ۱۷۵ اصل نوشته شده درباره حقوق آزادی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تا به امروز به فراموشی سپرده شده است.

آن چه امروز در این کشور کهن می گذرد، را نمی توان در این نوشته کوتاه جای داد. تنها یادآور می شوم، که رهبر جمهوری اسلامی، فرماندهی همه نیرو های ارتش، انتظامی و امنیتی را در دست دارد، بی آن که کمترین مسئولیتی در برابر این قانون به اصطلاح اساسی داشته باشد.

میلیون ها ایرانی برای نشان دادن ناهم آوایی خود با خودکامگی ملایان از کشور بیرون آمدند، و میلیون ها تن دیگر ناگزیر در کشور مانده، زیر ستم بنیادگرایان روزگار دشواری را می گذرانند.

ایرانیان چه در درون و چه در بیرون از کشور، حکومت تحمیلی و قانون کذایی آنان را نپذیرفته اند، و بنا به تعریفی که از حقوق اساسی در بالا آمد، با آنان به عنوان شهروند پیمانی نبسته اند، و در نتیجه ملایان را برگزیدگان کشور نمی دانند، و با آنان کمترین پیوند حقوقی ندارند.

## نامه سرگشاده

در کشورهایایی که خود کامه گان بر سر کارند، مردم برای رساندن پیام خود، ناچار به پراکندن شبنامه می باشند. در کشورهایایی که از حکومت مردم سالاری برخوردارند، نامه سرگشاده نیز از جایگاهی بر خوردار می باشد.

نامه سرگشاده نوشتاری است که یک یا چند تن با نام و نشان، خطاب به یک مسئول سیاسی کشور نوشته و در نشریه ای به چاپ رسانده می شود، و یا در دید همگانی و در تابلو اعلانات درج، و به تازگی نیز در اینترنت در دید مردم گذاشته می شود، تا شمار بیشتری بتوانند آن نامه را بخوانند.

گاهی نامه با امضای چند تن می باشد، رسم بر این است که یک رونوشت از نامه برای گیرنده با پست فرستاده شود، تا ضمن آگاهی دادن به گیرنده، رسیدی از او دریافت شود. گاه دیده شده که نامه سرگشاده برای نشریات علمی و در باره مسائل اخلاقی فرستاده شده است.

## من متهم می کنم!

جمله آغازین نامه سرگشاده ای است که شهرت جهانی یافت. در این نامه ی سرشار از قدرت بیان و احساس، امیل زولا روزنامه نگار، نویسنده و روشنفکر نامدار فرانسوی، در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۸۹۸، فلیکس فور، رئیس جمهور وقت فرانسه را بی پرده خطاب قرار داد، و در آن به دفاع از کاپیتان آلفرد دریفوس، افسر فرانسوی که به نادرست محکوم به جاسوسی برای آلمان شده بود پرداخت. او در بخشی از نامه سی و دو برگی خود می نویسد:

« وظیفه من گفتن است، نمی توانم با سکوت خود شریک بیدادگری باشم، شب ها در کابوس، بیگناهی را می بینم که در دوردست ها برای جرمی که انجام نداده زیر شکنجه می باشد».

آناتول فرانس، نامه سرگشاده امیل زولا به رئیس جمهور فرانسه را، برابر با « بمبی » دانست که بنیاد جامعه فرانسه را لرزاند! کتاب های امیل زولا به زبان های گوناگونی ترجمه شده است، و داستان های او الهام بخش فیلم های سینمایی و تلویزیونی بسیاری می باشد.

## خلق را تقلیدشان بر باد داد

در این سیه روزی ها بویژه از آغاز جنبش خودجوش مردمی تاکنون، در این راه خونبهای سنگینی از سوی مردم ایران به ویژه دختران و پسران دلیر، پرداخته شده است. تنی چند از ایرانیان خارج نشین، ندانسته و یا برای مردم فریبی و بهره برداری به سود خود، نامه های سرگشاده برای رهبر جمهوری اسلامی می فرستند، و بی تردید با فرستادن این گونه نامه ها او را به رسمیت می شناسند! و گاه با « توصیه های خیرخواهانه » نقش مشاور و وکیل او را نیز بازی می نمایند. و متأسفانه در این کار از شاه تا گدا، در دام تقلید افتاده اند!

در این میان کسانی دیده می شوند، که خود از عوامل خفقان یا دست اندرکاران در رژیم پادشاهی بودند! و این پرسش برای مردم پیش می آید که چرا نویسندگان این نامه ها وظیفه وجدانی خود را در رژیم گذشته انجام نمی دادند!

این نابخردی، اهانت به خرد همگانی است، و به کار پر ارج ایرانیان آزاده در رویا رویی با سرکوبگران خامنه یی آسیب می رساند. یگانه کار خردمندانه آن است، که به دور از مردم فریبی، خود محوری، جاه طلبی و هیاهو، در پشتیبانی راستین از جنبش مردم آزاده ایران کوشا باشیم.

۱۹ ژوئیه ۲۰۰۹

تارنمای فرهنگ ایران

[www.farhangiran.com](http://www.farhangiran.com)